

جوان گرایي درست در تیم ملی در گفت و گوی «جوان» با مسعود اقبالی، مدرس کنفدراسیون آسیا

جوان گرایي برنامه ۱۰ ساله می خواهد

گفت و گو
شیاو نوروزی

تیم ملی فوتبال کشورمان سال جدید را با دو بازی مقابل ترکمنستان در چارچوب انتخابی جام جهانی آغاز کرده است. امیر قلعه‌نویی همیشه دم از جوان‌گرایی زده و این بار با دعوت از چند بازیکن جدید سعی کرد میانگین سنی تیم را کاهش دهد. رویارویی با ترکمنستان نشان داد تیم ملی برای رسیدن به هماهنگی لازم کار سختی پیش رو دارد و باید دست سربرمی در بازی‌های بعدی باز هم به جوانان تازه‌نفس اعتماد خواهد کرد یا نه. مسعود اقبالی، مدرس کنفدراسیون آسیا در گفت و گو با «جوان» ارزیابی‌اش از شرایط فعلی تیم ملی را تشریح کرد.

ارزیابی‌تان از عملکرد تیم ملی در دو بازی اخیر مقابل ترکمنستان چیست؟

ترکمنستان یکی از تیم‌های درجه‌چند آسیاست، مقابل ایران حریفی برای گفتن نداشت و بازی ضعیفی از آنها دیدیم. فلسفه مربیگری حکم می‌کند، دنبال یک سبک خاصی از فوتبال باشید. مربیان فوتبال در دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ کنش‌گرا و واکنش‌گرا. دسته اول برنامه خاص خود را بدون توجه به تیم مقابل دنبال می‌کنند و دسته دوم نیز دنبال کارهای تحلیلی هستند تا استراتژی حریف را اختی کنند. در فوتبال ما چنین مفاهیمی معنا ندارد. در فوتبال روز دنیا به مقوله‌های مهمی چون بازی تهاجمی، تدافعی و انتقال مثبت و منفی توجه می‌شود، از این مؤلفه‌ها به‌بهرتر این شکل استفاده می‌کنند و تاکتیک‌های ویژه‌ای را در نظر می‌گیرند. منتها تیم ملی ما هنوز در ساده‌ترین مسائل از جمله پاسکاری و مالکیت توپ مشکل دارد، البته مشکل ما تیم ملی نیست بلکه باشگاه‌ها و زیرساخت‌ها هستند. برنامه‌ای برای تیم‌های پایه و لیگ‌های نوجوانان و جوانان نداریم، باشگاه‌ها تیم‌های پایه ندارند و مربیان باشگاه‌ها با رابطه انتخاب می‌شوند نه ضابطه، به همین خاطر بازیکنان به بلوغ تاکتیکی نمی‌رسند. همین بازیکنان به تیم ملی می‌رسند و همان مشکلات را در تیم ملی دارند.

بالا رفتن میانگین سنی و سطح پایین فوتبال باشگاهی چه تأثیری روی فوتبال ملی داشته است؟

همه می‌دانند با این تیم به جای نمی‌رسیم. قبلاً هم گفته‌ام هر کسی لایس تیم ملی باشد، باز هم حتماً به جام جهانی صعود خواهیم کرد، ولی با سه باخت کارمان در جام جهانی تمام خواهد شد! درست مثل سه دوره گذشته، برای موفقیت و پیشرفت نباید به جام جهانی، جام‌ملتها و حتی لیگ قهرمانان آسیا فکر کنیم چراکه در همه زمینه‌ها شکست‌خورده و یک بازنده هستیم. همه بازیکنانی که در تیم ملی حضور داشتند، تفکر بازیکنانه دارند و انگیزه و اعتمادبهنفس لازم را



ندارند. سن فوتبال در دنیا پایین آمده و یک نوجوان شانزده، هفده ساله برای بارسلونا بازی می‌کند. مجید جلالی در رأس کمیته فنی فدراسیون قرار گرفته است، اما معتقدم او تنها یک مهره است و افراد دیگری مربیان را انتخاب می‌کنند. در هر صورت اگر به موفقیت فکر می‌کنیم، باید برنامه‌ی ۱۰ ساله را در دستور کار داشته باشیم و روی کار باشگاه‌ها نظارت و کنترل صورت گیرد. باید باشگاه‌ها را وادار کنیم تیم‌های پایه داشته باشند و مسابقات شرکت کنند. این کار در دهه ۵۰ انجام شد. اینکه گلخانه‌ای برخی بازیکنان به عنوان تیم نوجوانان، جوانان و امید انتخاب شوند و اغلب این انتخاب‌ها نیز رابطه‌ای است، قطعاً نتیجه‌ای ندارد. در چند سال اخیر شکست تیم‌های ملی در رده‌های پایه را دیده‌ایم. باید علل ناکامی‌ها را ریشه‌یابی شود. تا زمانی که به قاعده هرم برنگردیم و مشکلات باشگاهی را حل نکنیم، هیچ چیز درست نخواهد

شد و باخت پشت باخت.

دعوت چند بازیکن جوان به تیم ملی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

امیر قلعه‌نویی چند بازیکن جوان را دعوت کرده اما این مدل جوان‌گرایی نمایشی است! خود او هم می‌داند با این چند بازیکن به جای نخواهد رسید چراکه پشتوانه لازم را ندارند. حداقل نیمی از بازیکنان این تیم باید کنار گذاشته شوند و بازیکنانی باره سنی ۲۸ تا ۲۶ سال جای خود را به بازیکنان تازه‌نفس ۲۰ تا ۲۵ ساله بدهند. فدراسیون باید باشگاه‌ها را مکلف به داشتن Technical Director (مدیر توسعه و پیشرفت فوتبال) کند تا آنها برای کار مربیان پایه نظارت داشته باشند و طی ۱۰ سال مربیان تیم ملی هم‌زمان با مربیان باشگاهی از این بازیکنان استفاده کنند. این بازیکنان جوان از طریق مسابقات بزرگ می‌شوند و شکل می‌گیرند، آنها باید در بازی‌های دوستانه بزرگ به میدان بروند. در صورتی که اینگونه برنامه‌های بلندمدت اجرا شود، یک دهه دیگر می‌توانیم تیم‌های کره، ژاپن، عربستان و دیگر مدعیان آسیا را مقابل خود غیر این صورت بازهم بازنده خواهیم بود.

تکیه زیاد روی لژیونرها چه تأثیری در عملکرد تیم ملی داشته است؟

این لژیونرها زمانی کم‌سن و سال بودند و می‌توانستند به تیم ملی کمک کنند، اما حالا پایه‌سن گذاشته‌اند و حتی در تیم‌های باشگاهی خود نیز نیمکت‌نشین یا مصدوم هستند. در واقع کارشان تمام شده و در سطح جهانی کارایی لازم را ندارند. علم تمرین پیشرفت زیادی داشته است



حضور بازیکنان جوان

تا جایی که بازیکنان نوجوان به بلوغ فیزیکی رسیده‌اند و می‌توانند ۱۲۰ دقیقه بازی کنند. اخیراً سردار آزمون از رم به تیم ملی آمد و دچار پارگی عضله شد. این نشان می‌دهد به دلیل بالا رفتن سن نتوانسته سریع ریکاوری کند. در صورتی که یک بازیکن جوان ۱۸-۱۷ ساله خیلی سریع ریکاوری می‌کند و در عرض دو سه روز به شرایط ایده‌آل می‌رسد. میانگین سنی تیم ایران بالاست و چطور می‌توان با این تیم در جام جهانی بازی کرد. در فوتبال روز دنیا سرعت حرف اول و استقامت هواری حرف دوم را می‌زند.

افزایش فاصله با قدرت‌های آسیا قابل جبران است؟

اگر همین امروز شروع کنیم حداقل به یک برنامه ۱۰ ساله نیاز داریم. فدراسیون فوتبال و اعضای هیئت رئیسه باید باشگاه‌ها را به داشتن تیم‌های پایه ملزم کنند. یکی از وظایف مدیر توسعه و پیشرفت فوتبال فدراسیون با فشار فیها انتخاب شده و معلوم نیست مدیر انتخاب شده تا چه اندازه وظایفش را انجام می‌دهد. اجرای اهداف فیها در سراسر ایران نیازمند یک تیم قوی ۵۰-۴۰ نفره است تا بتوانند تیم‌ها را تشکیل دهند، مربیان را گزینش کنند و روی کار آنها نظارت داشته باشند تا بازیکنان تیم‌های پایه به عرصه ظهور برسند و در خدمت تیم ملی قرار بگیرند، منتها ما برنامه نداریم و این فقط یک نمایش آن هم تحت تأثیر

اگر به موفقیت فکر می‌کنیم، باید برنامه‌های ۱۰ ساله را در دستور کار داشته باشیم و روی کار باشگاه‌ها نظارت و کنترل صورت گیرد. باید باشگاه‌ها را وادار کنیم تیم‌های پایه داشته باشند و در مسابقات شرکت کنند

فشار فیها، مجید جلالی حتی تصمیماتش هم اشتباه است چراکه به جای استفاده از مدرسان الیت فدراسیون، کار گروه تشکیل داده است. قاعدتاً اگر مدرسان الیت می‌آمدند، از عملکردش انتقاد می‌کردند. مدیر توسعه و پیشرفت فوتبال فدراسیون سال‌ها در فدراسیون نبوده و کلاس مربیگری بر گزار نکرده است. عملکرد مجید جلالی را با آرن ونگر که مسئول توسعه فوتبال در جهان است، مقایسه کنید. تکنیکال دایرکتور حداقل باید زبان انگلیسی بداند تا در صورت لزوم بتواند صحبت کند. مگر می‌شود تکنیکال دایرکتور تاکنون یک کلاس مربیگری برگزار نکرده باشد؟! خود من تجربه سه‌سال‌ها برگزاری کلاس‌ها و تربیت مربیان زیادی را دارم، ما را که به کمیته فنی دعوت نمی‌کنند، ولی اگر دعوت کنند هم گفته‌ام تا زمانی که این آقا حضور دارد، هرگز نمی‌آیم چراکه مدیر توسعه و پیشرفت فوتبال کساحیت این مسئولیت را ندارد. علاوه بر این، آن کسی که حکم او را صادر کرده است هم مشکل دارد. جلالی کاره‌ای نیست و بالا به او می‌گویند چه کسی مربی شود.

مهدی است، رئیس فدراسیون بارها تأکید کرده است در جام‌ملتها به اهدافشان رسیده است. آیا با این دیدگاه امیدی به پیشرفت فوتبال ایران وجود دارد؟

آنها با این حرف‌ها سعی می‌کنند از عملکردشان دفاع کنند. می‌گویند این‌ها از زمین و مردم شهادت شدند. خب ژاپن به عراق هم باخته است. در هر تورنمنتی باید برای قهرمانی به میدان برویم. در دور حذفی به قطر باختیم. آن هم در حالی که دو بازیکن کلیدی قطر را نتوانستیم مهار کنیم. این نشان می‌دهد کادر فنی کفایتی نداردیم. کسی را در کادرفنی گذاشته‌اند که تجربه مربیگری در تیم‌های پایه را نیز نداشته است. متأسفانه همه چیز بر اساس رابطه است. باید گذشته را فراموش کنیم، نیروهای متخصص وارد کار شوند و با برنامه بلندمدت پیش برویم.

نگاه

«جرئت» فاکتور لازم جوان‌گرایی

فریدون حسن

سال گذشته و درست پیش از آغاز جام‌ملتها آسیا در قطر انتشار یک خبر در خصوص ترکیب تیم ملی ژاپن تمام‌نگاه‌ها را متوجه این تیم کرد. خبر این بود که ژاپنی‌ها با ترکیبی کاملاً متفاوت نسبت به چهار سال قبل در جام‌ملتها آسیا شرکت می‌کنند، یعنی اینکه هیچ کدام از مردانی که در جام‌ملتها امارات حضور داشتند در ترکیب تیمی که قرار بود به قطر بیاید، حضور نداشتند.

چنین تغییر گسترده و جوان‌گرایی منحصر به فردی در حالی از سوی ژاپنی‌ها اجرا شد که تیم ملی ایران با وجود تغییر کادر فنی با همان ترکیب چهار سال قبل راهی قطر شد، ترکیبی که حداقل شش سال از حضورش در تیم ملی می‌گذشت و حتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را هم تجربه کرده بود، ولی با وجود شکست همچنان دست‌نخورده باقی مانده بود. ایران در دیداری انتقامی ژاپن متحول شده را برد تا تلاقی شکست چهار سال قبل را بکند اما در یک بزن‌گاه دیگر شکست خورد تا باز هم چوب جام‌عنوان گرای را بخورد.

جام‌ملتها آسیا تمام و کادر فنی تیم ملی ابقا شد و حالا تصمیم به جوان‌گرایی گرفته است؛ تصمیمی شایسته که باید با برنامه‌ریزی و به صورت درست انجام شود. جرئت استفاده از بازیکنان جوان، خوش فکر و باتکیزه مهم‌ترین نکته‌ای است که در بحث جوان‌گرایی باید مورد توجه قرار گیرد. شاید اگر این جرئت در جریان بازی ایران و قطر از سوی کادر فنی تیم ملی دیده می‌شد، رژیای قهرمانی در آسیا تعبیر می‌شد، اما کادر فنی ایران چنین جرئتی نداشت.

اینکه امیر قلعه‌نویی به عنوان سربرمی تیم ملی بعد از جام‌ملتها آسیا و مقابل حریفی چون ترکمنستان آن هم در جریان رقابت‌های انتخابی جام جهانی از جوانان تازه راه‌یافته به تیم ملی استفاده کند، اقدامی تحسین‌برانگیز است اما باید دید سربرمی تیم ملی این حسارت را در مقابل حریفان قدر تر هم به خرج می‌دهد. آیا قلعه‌نویی می‌تواند وقتی که کار تیمش مقابل تیم‌های بزرگ هم از خود هم از جوانان استفاده کند یا اینکه مثل بازی با قطر جرئت استفاده از آنها را به خود نمی‌دهد و می‌بازد؟

دو بازی مقابل ترکمنستان نشان داد جوانان راه‌یافته به تیم ملی تنها محتاج هماهنگی بیشتر و البته اطمینان و اعتماد بیشتر کادر فنی و سربرمی تیم ملی به آنها هستند. تیم ملی دو بازی دیگر در این مرحله پیش رو دارد؛ دو بازی کاملاً تشریفاتی مقابل ازبکستان در تهران و هنگ‌کنگ در این کشور که می‌تواند بهترین فرصت برای میدان دادن به جوانان باشد، البته اگر مسائلی مانند صدر نشینی در جدول منع شود.

پس تیم ملی علاوه بر نیاز به جوان‌گرایی به جرئت انجام این کار در مواقع لزوم و حساس هم احتیاج دارد؛ کاری که دقیقاً ژاپنی‌ها انجام دادند؛ آنها تیم متحول شده و جوان‌شان را راهی قطر کردند و سختی تحمل شکست را به قیمت کسب تجربه به جان خریدند. اما به شرط آنکه جرئت استفاده در دست و بموقع تیم ژاپن بسیار بیشتر خواهیم شنید؛ این راهی است که باید مورد توجه دست‌اندرکاران تیم ملی قرار گیرد و البته جرئتی که ژاپنی داشتند، باید در کادر فنی و تصمیم‌گیرندگان تیم ملی هم دیده شود تا جوان‌گرایی صورت گرفته به نتیجه برسد.

یادمان باشد اعتماد و اطمینان به جوانان و میدان دادن به آنها همواره جواب داده و در تیم ملی هم پاسخ مناسب را از آن خواهیم گرفت، به ما به شرط آنکه جرئت استفاده در دست و بموقع از جوانان را داشته باشیم و فقط شعار جوان‌گرایی ندهیم.

گزارش
دنیا جدیدی

تیم ملی جوان می‌شود اما با احتیاط

«جوان‌گرایی ملایم» بدون عجله!

یکی از انتقادهایی که طی چند سال اخیر متوجه تیم ملی بوده است، به میانگین سنی بالای این تیم برمی‌گردد، به طوری که ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر با میانگین سنی ۲۸/۹۲ بیش‌ترین تیم رقابت‌ها بود، اما در جام‌ملتها آسیا که امیر قلعه‌نویی سکان هدایت ایران را به دست داشت، میانگین سنی تیم ملی به ۲۸/۲ کاهش یافت، هر چند همچنان حضور ۱۱ بازیکن بالای ۳۰ سال در ترکیب تیم ملی جای تعمق داشت و لزوم جوان‌گرایی را به رخ می‌کشید، اما افزایش تعداد بازیکنان ۲۵ سال و زیر ۲۵ سال در ترکیب تیم ملی نشان از علاقه‌مندی قلعه‌نویی به جوان‌گرایی داشت.

تیم ملی ایران در جام جهانی قطر تنها یک بازیکن زیر ۲۵ سال (ابوالفضل جلالی ۲۴ ساله) در فهرست داشت. این در حالی بود که در سفر دوباره ایران به قطر برای حضور در جام‌ملتها آسیا، کاروان ایران پنج بازیکن زیر ۲۵ سال را به همراه داشت. محمدجواد حسین‌نژاد (۲۰ سال)، سامان فلاح (۲۲ سال)، آریا یوسفی (۲۱ سال) و همچنین محمد مجیب و مهدی قلادی (۲۵ سال). حضور پنج بازیکن جوان، نشان از آغاز تغییرات در ترکیب تیم ایران را می‌داد؛ تغییراتی که بعد از جام‌ملتها و در مرحله دوم انتخابی جام جهانی هم شاهد آن بودیم.

اواخر اسفندماه، قلعه‌نویی بار دیگر شاگردانش را به خط کرد تا آنها را مهیای بازی‌های تئوروی مقابل ترکمنستان کند. در دورهمی جدید تیم ملی



تیم ملی جوان می‌شود اما با احتیاط

از اخراج صادق محرمی و همچنین تعویض سامان قدوس بود که برای تیم ملی ایران به میدان رفت. ابوالفضل جلالی را هم نخستین بار اسکوچیج به تیم ملی دعوت کرد و او هم نخستین بازی ملی خود را برابر سوریه انجام داد. بعد از اسکوچیج، کی‌روش نیز برای جام جهانی به او اعتماد کرد و جلالی ۲۴ ساله جوان‌ترین عضو کاروان ایران در قطر بود. سامان فلاح نیز پیش از این برای جام‌ملتها ۲۰۲۳ قطر تیم ملی، روی گلی که جهانبخش وارد دروازه حریف بازی ملی خود را نیز در دیداری دوستانه مقابل

بورکینافاسو در استادیوم المپیک کیش انجام داده بود، اما محمد آزادی، محمدامین حزیبوی و محمد قربانی نخستین بازی ملی خود را در تعطیلات تئوروی مقابل ترکمنستان انجام دادند. جوان‌گرایی یکی از مطالبات جامعه فوتبال و همچنین یکی از سؤال‌های همیشگی اصحاب رسانه از سربرمی تیم ملی بود. قلعه‌نویی اما یک‌بار برای همیشه با تأکید به این مهم که به جوان‌گرایی با شیب ملایم اعتقاد دارد، آب پاکی را روی دست همه ریخت که قرار نیست شاهد تغییرات گسترده در تیم ملی باشد. با وجود این، اساتذت جوان‌گرایی در تیم ملی فوتبال ایران به طور رسمی از بازی دور رفت با ترکمنستان در آزادی زده شد؛ نه فقط با دعوت از بازیکنان جوان که با عدم دعوت از امید ابراهیمی، کریم انصاری فرد، احسان حجازی و همچنین نیمکت‌نشین کردن علیرضا جهانبخش، رامین رضاییان و شجاع خلیل‌زاده در خخلال دو بازی رفت و برگشت با ترکمنستان؛ بازیکنان باتجربه و اسم و رسم‌داری که این شاید آغاز کنار گذاشتن همیشگی آنها از فهرست و ترکیب تیم ملی و باز شدن جاب‌جای جوان‌ترها باشد، البته این جوان‌گرایی پیامدهایی هم داشت. با وجود آنکه تک‌تک بازیکنان تیم تأکید داشتند تجربیات خود را در اختیار جوان‌ترها قرار می‌دهند تا هر چه زودتر در ترکیب تیم جا بیفتند و با کسب تجربه، بتوانند توانایی‌های خود را به معرض نمایش بگذارند، هضم نیمکت‌نشین برای بازیکنانی که سال‌ها در ترکیب اصلی تیم حضور داشته‌اند و جزو مهره‌های اصلی بودند، خیلی آسان نبود. با وجود این، هر بازیکن باتجربه و هر ستاره‌ای پایانی دارد؛ پایانی که بی‌تردید می‌تواند آغاز ستاره‌شدن بازیکن دیگری باشد.

اما تغییرات ایجادشده و فرصتی که قلعه‌نویی در دو بازی رفت و برگشت مقابل ترکمنستان به جوان‌ترهای تیم داد، ناهماهنگی مشهودی را به تصویر کشید. چه در آزادی که ایران با پنج گل حریف را بدرقه کرد و چه در ترکمنستان که با یک گل بازی را به پایان برد؛ ناهماهنگی‌ای که با اضافه‌شدن بازیکنان

جدید به چشم آمد و نشان داد این تیم برای ایجاد هماهنگی بین نفرات باتجربه و کم‌تجربه، به زمان و البته برنامه‌ریزی برای برگزاری اردوهای تمرینی و بازی‌های تدارکاتی نیاز دارد تا نفرات جدید بتوانند کم‌کم جای خود را در ترکیب تیم باز و با هماهنگی کامل تیم را در نیل به اهدافش یاری کنند. بیشترین جوان‌گرایی در تیم ملی ایران همواره قبل از جام‌ملتها اتفاق افتاده است، به طوری که مابلی‌کهن، جلال طالبی و برانکو در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ به ترتیب هفت، پنج و ۱۰ بازیکن جوان ۲۳ و زیر ۲۳ سال را به فهرست تیم ملی فوتبال ایران اضافه کردند، اما این شیب جوان‌گرایی با حضور قلعه‌نویی روی نیمکت ایران برای جام‌ملتها ۲۰۰۷، ۲۰۱۱، و پنتام، اندونزی و تایلند بسیار ملایم شد چراکه از این دوره فاصله جام جهانی تا جام‌ملتها از دو به یک سال کاهش یافت و همین مسئله جوان‌گرایی را سخت و قلعه‌نویی تنها سه بازیکن جوان به ترکیب تیمش اضافه و بعد از آن نیز این روند ادامه پیدا کرد، به طوری که افشین قطعی (۲۰۱۱) سه بازیکن، کی‌روش (۲۰۱۵) پنج و (۲۰۱۹) دو بازیکن جوان به فهرست خود اضافه کرد، اما قلعه‌نویی در بازگشت دوباره روی نیمکت تیم ملی، با توجه به ضرورت جوان‌گرایی، این بار قبل از جام‌ملتها آسیا پنج بازیکن زیر ۲۵ سال را به فهرست خود اضافه کرد و بعد از این رقابت‌ها نیز به روندی که در پیش گرفته بود، ادامه داد؛ اما بی‌تردید هیچ کس انتظار ندارد تیم ملی فوتبال ایران که پیرترین تیم جام جهانی بود به یک‌باره دست به تغییر ی اساسی و همه‌جانبه بزند، خصوصاً که در ایران کمتر کسی



تحمل باخت یا حتی مساوی را دارد و عمدتاً نتیجه‌گرا هستند و با این اوصاف جوان‌گرایی با شیب تند نه تنها به سود تیم ملی نیست که به ضرر آن تمام خواهد شد و به نوعی خودکشی محسوب می‌شود. در مصاف با ترکمنستان در آزادی صالح خردانی و امین حزیبوی از ابتدا در ترکیب اصلی تیم قرار داشتند و در کنار میلاد محمدی و محمدحسین کنعانی‌زادگان اجازه ندادند مهاجمان حریف از خط دفاعی ایران عبور کنند و به دروازه بیرانوند برسند. حزیبوی ۷۰ دقیقه در خط دفاعی ایران بازی کرد و سپس جای خود را به سامان فلاح، دیگر بازیکن جوان و مستعد تیم ملی داد. محمد آزادی هم از دقیقه ۸۴ به جای مهدی طارمی در خط حمله ایران قرار گرفت، اما حردانی تا پایان در ترکیب بود.

در بازی برگشت نوبت به محمد قربانی رسید که نخستین بازی ملی خود را مقابل ترکمنستان انجام دهد، او ۷۰ دقیقه مقابل این تیم بازی کرد. سامان فلاح در ترکمنستان هم برابر این تیم به میدان رفت، اما این بار در دقیقه ۹۰+۵ و به جای محمد مجیب، این روند اما می‌تواند در مصاف با ازبکستان و هنگ‌کنگ که با توجه به صعود ایران جنبه تشریفاتی دارد نیز ادامه داشته باشد؛ خصوصاً که لژیونرها تنها در فیهادی‌ها می‌توانند در اردوی تیم ملی حضور داشته باشند و این تنها زمانی است که قلعه‌نویی می‌تواند بازیکنان باتجربه و کم‌تجربه را کنار یکدیگر جهت رسیدن به هماهنگی لازم تمرین دهد و محک بزند.